

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

بحث راجع به بنیان های بحث (حجیت ظواهر قرآن) بود ما بنیان اول را مطرح کردیم و گفتیم که باید روایات با توجه به جریانات پشت پرده دیده شوند و بر روی واژه ها نباید خیلی تمرکز کرد.

حدیث ثقلین را مطرح کردیم و گفتیم که ما قرآن و عترت را در کنار هم داریم و افتراقی نمی اندازیم اما در جایی که عترت، در مورد آیه ای بیانی ندارند و قرآن بیانی دارد به ظاهر قرآن تمسک می کنیم؛ کجای این افتراق قرآن و عترت است و لذا استدلال اخباری به این روایت بر جدای قرآن و عترت صحیح نیست.

روایتی از امام صادق است: قال رسول الله ذات یوم: معاشر اصحابی، ان الله عز وجل یامرکم بولایه علی بن ابی طالب والافتدای به فهو ولیکم و امامکم من بعدی لا تخالفوا فتکفروا ولا تفارقوا فتضلوا.

این هم افتراق است اما این افتراق در کنار مخالفت آمده است؛ بحث این روایات، بر سر موضع گیری است آنچه که مذموم است مخالفت با این خاندان است و مراد این افتراق است.

نکته: وقتی انسان جریانات را نگاه می کند و فضای روایات را می بیند در این صورت واژه ها را در مسیر فضای صدور روایات معنا می کند. ما باید نصوص دینی را همانطور که با قرائن مقالیه می سنجیم با قرائن حالیه هم بسنجیم. نکته دیگر: در روایت قتاده حضرت فرمودند: بعلم تفسیر او بجهل... حضرت فرمود اگر بعلم تفسیر می کنی خوب است اما تو اشتباه می کنی بلکه تو از روی جهل تفسیر می کنی... از این روایت می شود فهمید که حضرت از اصل تفسیر نهی نکردند و نگفتند تو را چه به تفسیر کردن و... ولی چون تفسیر از روی جهل بود حضرت مخالفت کردند.

نکته: گاه شان نزول آیات باعث می شود برخی استنادها به آیات درست نباشد مثلاً فقهاء به آیه ما علی المحسنین من سبیل برای عدم ضمان تمسک می کنند در حالی که این آیه ربطی به بحث ضمان ندارد بلکه آیه در مورد فقرا و ناتوانانی است که نمی توانستند به جنگ بروند.

ما در بحث احل الله البیع گفتیم که این آیه اطلاق ندارد و اطلاق گیری درست نیست و این را از شان نزول آیه متوجه شدیم. بنیان دوم: باید سری به قرآن باید بزنیم و ببینیم قرآن خودش را چگونه معرفی کرده است؛ اصولی ها چیزی از قرآن نگفته بودند فقط صاحب حدائق که اخباری است از طرف اصولی ها آیاتی را مطرح کرده بود و هر 4 آیه را طبق مسلک خودش پاسخ داد. آیه اول: آیه تبیان بود... صاحب حدائق فرمود: ما هم قبول داریم تبیان است اما بعد از رجوع به اهل بیت. آیه 2: تدبر بود که صاحب حدائق پاسخ داد و...

استاد علی دوست: اینکه ایشان 4 آیه را از عوض اصولی ها مطرح کرده جای تشکر دارد اما انتقاد ما این است که آیات بیش از بیست تا است و شایسته بود ایشان به همه آیات می پرداخت.

ما در بنیان دوم می خواهیم به سراغ خود قرآن و آیات برویم.

اولاً: اگر قرآن فرمود من بیان (روشن) هستم، اگر ما از خود قرآن چیزی نفهمیم و... آیا این لغویت آیه را به دنبال ندارد؟ آیا این خلاف حکمت نیست؟ اینکه قرآن فرمود... کتابُ أ حکمت آیاته... مگر می شود چیزی محکم باشد و قابل استناد نباشد.

برخی اشکال کرده اند اینکه شما به خود قرآن استناد کنی برای حجیت ظهور قرآن دور است چرا که شما در اثبات حجت ظواهر به ظاهر خود آیه تمسک کرده ای. جواب: بر فرض که دور باشد اما دقت کنید: گوینده قرآن حکیم است و نمی خواهد اغراء به جهل بکند و حکیم اگر کلامی قابل استناد نباشد را چرا باید بفرماید؛ و ما از طریق حکمت خدای تعالی به مطلوب

(صحت تمسک به ظواهر قرآن) می رسیم.

آیه دیگر: خدای تعالی می فرماید: قرآنا عربیا (روشن) غیر ذی عوج قد جائکم نور و کتاب مبین... ضمیر جائکم خطاب به مردم است نه به پیامبر بعد می فرماید یهدی به (یعنی به واسطه همین کتاب هدایت می شوید) اخباری چطور می خواهد یهدی به را تفسیر کند به اینکه ائمه باید واسطه تفسیر باشند.

الذین یمسکون بالکتاب... این در مورد مصلحین است و منحصر به اهل بیت نیست.

یا ایها الناس قد جائتکم موعظه من ربکم و شفاء فی الصدور... . این بیان ها حاکی از این است که قرآن قابل فهم است برای مردم؛ قرآن پر است از خطاب یا ایها الذین آمنوا... یا ایها الناس و... .

**الحمد لله رب العالمین**